



Original Article

The Structural Effect of Insecure Attachment Styles on Relationship Obsessive-Compulsive Disorder Symptoms: The Mediating Role of Mentalization

Masoumeh Askari Firozjahi¹ , Mahmoud Najafi^{2*}

1. MA in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Semnan University, Semnan, Iran
2. Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

Article History:

Received: June 19, 2026

Revised: May 13, 2026

Accepted: June 3, 2026



***Corresponding Author:** Mahmoud Najafi, Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran

E-mail: m_najafi@semnan.ac.ir

Abstract

Background and Aim: Relationship Obsessive-Compulsive Disorder (ROCD) is characterized by doubts about one's romantic partner and can undermine the foundation of couple relationships. According to attachment theory, early insecure attachment patterns may provide a fertile ground for the emergence of these symptoms by creating deficits in mentalization capacity. The present study aimed to investigate the mediating role of mentalization in the relationship between insecure attachment styles and ROCD.

Materials and Methods: This descriptive-correlational study employed structural equation modeling. The statistical population consisted of married women in Babol, Iran, in 2025, from whom 315 participants were selected via convenience sampling. The research instruments included the Relationship Obsessive-Compulsive Inventory (Qomian et al., 2021), the Experiences in Close Relationships-Revised Questionnaire (Brennan et al., 1998), and the Mentalization Questionnaire (Dimitrijević et al., 2018). Data were analyzed using SPSS software (version 26) and AMOS software (version 24).

Results: The findings indicated a direct and significant effect of avoidant attachment ($\beta = 0.24$) and anxious attachment ($\beta = 0.36$) on ROCD symptoms. Furthermore, the direct effects of avoidant attachment ($\beta = -0.19$) and anxious attachment ($\beta = -0.47$) on mentalization, as well as the effect of mentalization ($\beta = -0.31$) on ROCD symptoms, were also significant. Mentalization significantly mediated the relationship between anxious attachment ($\beta = 0.147$; $P < 0.01$) and avoidant attachment ($\beta = 0.061$; $P < 0.01$) with ROCD symptoms. The model demonstrated good fit indices (CFI = 0.97, GFI = 0.94, NFI = 0.96, IFI = 0.97, RMSEA = 0.076).

Conclusion: Insecure attachment exacerbates ROCD symptoms by reducing mentalization capacity. This finding underscores the necessity of mentalization-focused interventions in couple therapy.

Keywords: Insecure Attachment Style, Mentalization, Relationship Obsessive-Compulsive Symptoms

Please cite this article as follows: Askari Firozjahi M, Najafi M. The Structural Effect of Insecure Attachment Styles on Relationship Obsessive-Compulsive Disorder Symptoms: The Mediating Role of Mentalization. SJPP. 2026;13(2):182-192.



اثر ساختاری سبک‌های دل‌بستگی نایمن بر علائم وسواسی جبری رابطه‌ای: نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی

معصومه عسکری فیروزجائی^۱، محمود نجفی^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

۲. استاد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: اختلال وسواسی جبری رابطه‌ای با تردید درباره شریک عاطفی مشخص می‌شود و می‌تواند بنیان روابط زوجی را تضعیف کند. براساس نظریه دل‌بستگی، الگوهای نایمن اولیه می‌توانند با ایجاد نقص در ظرفیت ذهنی‌سازی، بستر مناسبی برای بروز این علائم فراهم کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و علائم وسواسی جبری رابطه‌ای انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش توصیفی - هم‌بستگی از نوع معادلات ساختاری است. جامعه آماری شامل زنان متأهل شهر بابل در سال ۱۴۰۴ بود که ۳۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس وسواسی - جبری رابطه‌ای قومیان و همکاران (۲۰۲۱)، پرسش‌نامه تجدیدنظرشده تجربه روابط نزدیک برنن و همکاران (۱۹۹۸) و پرسش‌نامه ذهنی‌سازی دیمیتریچ و همکاران (۲۰۱۸) بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-26 و AMOS-24 تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که سبک دل‌بستگی اجتنابی ($\beta=0/24$) و اضطرابی ($\beta=0/36$) در علائم وسواسی جبری رابطه‌ای اثر مستقیم و معناداری دارد. همچنین، اثر مستقیم سبک دل‌بستگی اجتنابی ($\beta=-0/19$) و اضطرابی ($\beta=-0/47$) در ذهنی‌سازی و اثر ذهنی‌سازی ($\beta=-0/31$) در علائم وسواسی جبری رابطه‌ای نیز معنادار شدند. طبق نتایج، ذهنی‌سازی رابطه بین سبک دل‌بستگی اضطرابی ($\beta=0/147$; $P<0/01$) و اجتنابی ($\beta=0/61$; $P<0/01$) را با علائم وسواسی جبری رابطه‌ای واسطه می‌کند و مدل برازش مطلوبی دارد ($RMSEA=0/076$ و $IFI=0/97$, $NFI=0/96$, $GFI=0/94$, $CFI=0/97$).

نتیجه‌گیری: دل‌بستگی نایمن با کاهش ظرفیت ذهنی‌سازی، علائم وسواسی جبری رابطه‌ای را تشدید می‌کند و این یافته بر ضرورت مداخلات متمرکز بر ذهنی‌سازی در درمان‌های زوجی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: سبک دل‌بستگی نایمن، ذهنی‌سازی، علائم وسواسی جبری رابطه‌ای

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۹

ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۳

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

***نویسنده مسئول:** محمود نجفی، استاد،

گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

ایمیل: m_najafi@semnan.ac.ir

استناد: عسکری فیروزجائی، معصومه؛ نجفی، محمود. اثر ساختاری سبک‌های دل‌بستگی نایمن بر علائم وسواسی جبری رابطه‌ای: نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی. مجله علمی پژوهشی روانشناسی و روانپزشکی شناخت، خرداد و تیر ۱۴۰۵؛ ۱۳(۲): ۱۸۲-۱۹۲.

مقدمه

رابطه زوجی یکی از اصلی‌ترین پایه‌های دل‌بستگی در بزرگسالی است که می‌تواند هم منبع امنیت و هم بستر آسیب‌پذیری‌های روان‌شناختی باشد (گورلیک^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). بااین‌حال، اشتغال ذهنی وسواس‌گونه و تردیدهایی که بر رابطه صمیمانه فرد متمرکز هستند، می‌توانند در رابطه عاشقانه تأثیر

منفی داشته باشند و به پریشانی قابل توجهی منجر شوند (دورون^۲ و همکاران، ۲۰۱۳).

در این میان، اختلال وسواسی جبری رابطه‌ای^۳ به‌عنوان زیرگروه بالینی خاصی از اختلال وسواسی جبری شناخته می‌شود که در آن، محتوای اصلی نشخوارها و اجبارها، مستقیماً حول کیفیت رابطه عاطفی با زوج، تناسب شریک زندگی و درستی احساسات فرد به او

^۳ Relationship obsessive-compulsive disorder (ROCD)

^۱ Gorelik

^۲ Doron

سازمان‌دهی می‌شود (دورون و همکاران، ۲۰۱۳). برخلاف باور عمومی، که وسواس را پدیده‌ای فردی می‌داند، شواهد فزاینده نشان می‌دهند که علائم اختلال وسواسی‌جبری رابطه‌ای عمدتاً در بستر تعاملات زوجی و به‌عنوان واکنشی به تهدیدات ادراک‌شده در صمیمیت بروز می‌یابند، به‌طوری که رابطه زوجین عامل تشدیدکننده این علائم محسوب می‌شود (کاسالووا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). این اختلال با تردیدها و اشتغالات ذهنی وسواس‌گونه درباره ماهیت احساسات به شریک زندگی، احساسات شریک به خود، یا عیوب ادراک‌شده در ظاهر، شخصیت یا شایستگی‌های اجتماعی شریک زندگی مشخص می‌شوند (دورون و همکاران، ۲۰۱۳). این سازه در روابط عاشقانه به دو صورت متمرکز بر همسر^۲ و متمرکز بر رابطه^۳ بروز می‌یابد (دورون و همکاران، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، رفتارهای وسواسی با هدف کاهش پریشانی قابل توجه ناشی از وسواس‌های متمرکز بر رابطه انجام می‌شوند، اما به‌طور متناقضی عمل می‌کنند و همراه با وسواس‌ها، به پریشانی شخصی و زناشویی منجر می‌شوند و اغلب عملکرد افراد را در حوزه‌های اجتماعی، شغلی یا دیگر حوزه‌های مهم زندگی مختل می‌کنند (دورون و همکاران، ۲۰۱۴). باوجود شناخت روزافزون از ماهیت و پیامدهای بالینی اختلال وسواسی‌جبری رابطه‌ای، توجه به عوامل مستعدکننده و مکانیسم‌های واسطه‌ای زمینه‌ساز علائم، برای پیشرفت نظری و بالینی این حوزه ضروری است.

علاوه بر این، نظریه دل‌بستگی بالبی (۱۹۶۹) چهارچوب نظری قدرتمندی برای تبیین تفاوت‌های فردی در نحوه تجربه و تنظیم روابط صمیمانه فراهم می‌آورد. براساس این دیدگاه، الگوهای دل‌بستگی نایمن شامل دل‌بستگی اضطرابی، که با ترس از طرد، نیاز مفرط به اطمینان‌بخشی و حساسیت بین‌فردی زیاد مشخص می‌شود، و دل‌بستگی اجتنابی، که با بی‌اعتمادی به صمیمیت، فاصله‌گیری عاطفی و کاهش سرمایه‌گذاری در رابطه همراه است، می‌توانند مؤلفه محوری در شکل‌گیری و تداوم علائم متمرکز بر رابطه را تشکیل دهند (میکولینسر و شیور^۴، ۲۰۱۶). بر اساس این دیدگاه، تجارب اولیه با مراقبان اولیه، باورهایی را شکل می‌دهند که انتظارات فرد از خود، دیگران و جهان را جهت‌دهی می‌کنند (ورین^۵ و همکاران، ۲۰۲۲).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که سبک دل‌بستگی نایمن، به‌ویژه بعد اضطرابی آن، با شدت علائم وسواسی‌جبری رابطه معناداری دارد (قمیان و همکاران، ۲۰۲۴؛ یلدریم^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). افرادی که دارای دل‌بستگی اضطرابی هستند، حساسیت بین‌فردی زیادی از خود نشان می‌دهند و به‌طور مداوم در

دسترس‌پذیری و پاسخ‌دهی شریک عاطفی خود تردید دارند؛ ویژگی‌هایی که آن‌ها را مستعد نشخوارهای فکری و رفتارهای جبری با محتوای رابطه‌ای می‌کند (بیگل^۷ و همکاران، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، دل‌بستگی اجتنابی با سرکوب هیجانات و فاصله‌گیری از صمیمیت، می‌تواند به وسواس‌هایی درباره نقص‌های شریک عاطفی منجر شود (قمیان و همکاران، ۲۰۲۴). تحقیقات نشان داده‌اند که در افرادی با سطوح بالا از دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی، گرایش به ابتلا به اختلال وسواس‌اجباری رابطه‌ای بیشتر است (خسروانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ دورون و همکاران، ۲۰۱۳). بااین‌حال، رابطه بین دل‌بستگی نایمن و علائم اختلال وسواسی‌جبری رابطه‌ای نمی‌تواند تبیین جامعی از سازوکارهای زیربنایی این ارتباط ارائه دهد و بررسی متغیرهای واسطه‌ای که این مسیر آسیب‌شناختی را میانجی‌گری می‌کنند، به مسئله اصلی پژوهشگران در سال‌های اخیر تبدیل شده است.

در همین زمینه، یکی از سازوکارهای واسطه‌ای که اخیراً توجه محققان را جلب کرده، ظرفیت ذهنی‌سازی^۸ است. ذهنی‌سازی ظرفیت شناختی و عاطفی برای درک و تفسیر رفتارهای خود و دیگران در قالب حالات ذهنی زیربنایی (افکار، احساسات، امیال و نیت) تعریف می‌شود (سالور^۹ و همکاران، ۲۰۲۲). مفهوم ذهنی‌سازی نوعی رویکرد بازتابی در نظر گرفته شده است که به فرایند بازنمایی و درک رفتار خود و دیگران براساس حالات روان‌شناختی زیربنایی مثل افکار، احساسات، نیازها و خواسته‌ها اشاره دارد (فوناگی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۲). برطبق مطالعات، توانایی ذهنی‌سازی از سال اول زندگی شکل می‌گیرد و در روابط دل‌بستگی اولیه ریشه دارد (فوناگی و همکاران، ۲۰۰۲). رابطه میان دل‌بستگی و ذهنی‌سازی در دوران کودکی ریشه دارد؛ مراقبت حساس و قابل تأمل مراقبان زمینه رشد این ظرفیت را در کودک فراهم می‌کند، درحالی که مراقبت غیرحساس یا تهدیدآمیز به نقص در ذهنی‌سازی منجر می‌شود (ریمیئوس^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۴). دل‌بستگی ایمن با فراهم کردن بستری امن برای کاوش در ذهن مراقب، بستر رشد ظرفیت ذهنی‌سازی را فراهم می‌کند. در مقابل، دل‌بستگی نایمن، به‌ویژه در شرایط تهدیدآمیز، می‌تواند به اختلال در عملکرد تأملی منجر شود (جانسن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۳). این اختلال در بستر روابط عاطفی، فرد را از ارزیابی دقیق نیت شریک زندگی و ماهیت رابطه ناتوان می‌کند و او را به سمت تردیدهای وسواس‌گونه و رفتارهای تکراری برای کسب اطمینان سوق می‌دهد (یو و سانگ^{۱۳}، ۲۰۲۰). همچنین سانتورو^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های دل‌بستگی بزرگسالان با راهبردهای

⁸ Mentalization

⁹ Sloover

¹⁰ Fonagy

¹¹ Remeus

¹² Jansen

¹³ Yu & Song

¹⁴ Santoro

¹ Kasalova

² Partner- centered

³ Relationship- centered

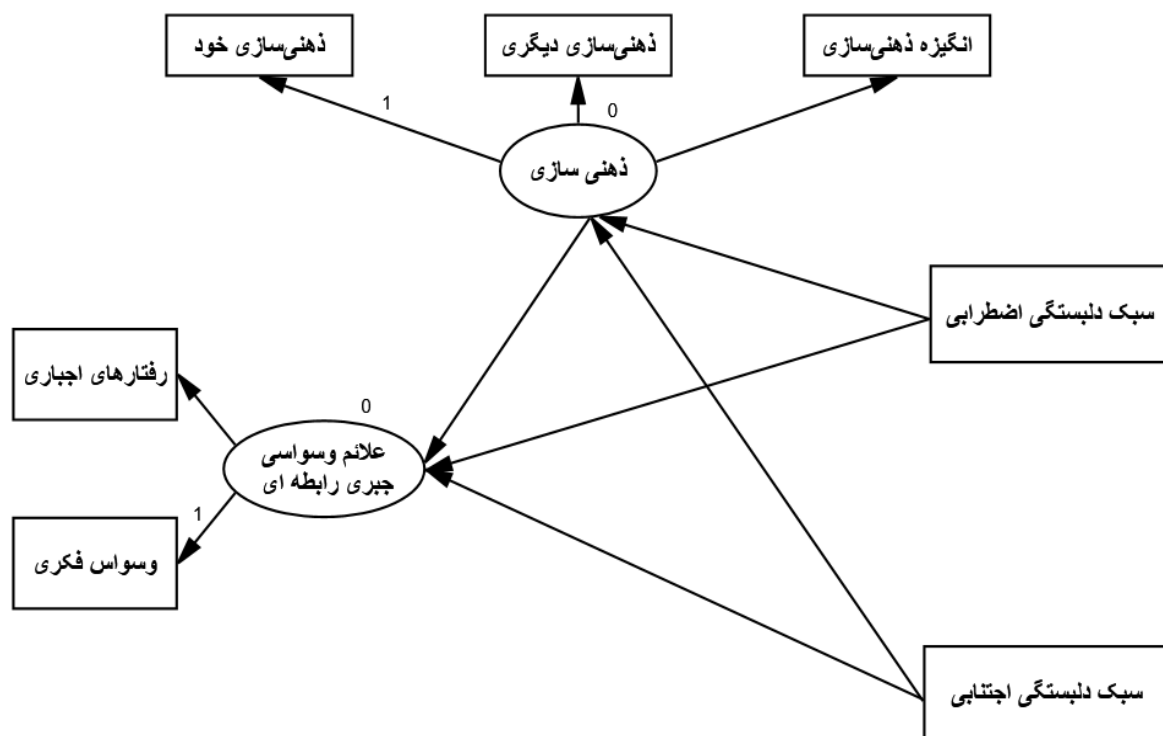
⁴ Mikulincer & Shaver

⁵ Verin

⁶ Yıldırım

⁷ Bilge

به ریشه‌های تحولی اختلال نزدیک‌تر است و می‌تواند تبیینی یکپارچه‌تر از رابطه میان دل‌بستگی و علائم وسواسی‌جبری رابطه‌ای ارائه دهد. بنابراین، انجام پژوهشی که به‌طور هم‌زمان دو بعد دل‌بستگی ناایمن (اضطراب و اجتناب) را به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین، ذهنی‌سازی را به‌عنوان سازوکار واسطه‌ای زیربنایی، و نشانه‌های وسواسی‌جبری رابطه‌ای را به‌عنوان متغیر پیامد در قالب نوعی مدل ساختاری منسجم بیازماید، گامی ضروری در جهت پرکردن شکاف‌های نظری و تجربی موجود تلقی می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه‌ای ذهنی‌سازی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی ناایمن و علائم وسواسی‌جبری رابطه‌ای انجام شد. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش آورده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

همچنین با احتساب احتمال ریزش برخی از پاسخ‌نامه‌ها، تعداد ۳۱۵ نفر از افراد جامعه هدف به روش نمونه‌گیری در دسترس از طریق شبکه‌های مجازی انتخاب شدند و لینک پرسش‌نامه به‌صورت آنلاین طراحی شد و در شبکه‌های مجازی (پیام‌رسان‌های ایتا و تلگرام) در اختیار افراد قرار گرفت.

معیارهای ورود شامل داشتن سن بین ۱۸ تا ۳۵، سابقه داشتن رابطه عاطفی حداقل به مدت شش ماه، سکونت در شهر بابل، توانایی خواندن و نوشتن و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود.

روش کار

روش پژوهش حاضر توصیفی - هم‌بستگی و از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمام زنان متأهل ساکن شهر بابل در سال ۱۴۰۴ بود. با آنکه درخصوص تعیین حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی و مدل‌یابی معادلات ساختاری توافق کلی وجود ندارد، کلاین^۲ (۲۰۲۳) حجم نمونه لازم را برای معادلات ساختاری ۲۰۰ نفر اعلام کرده است. بنابراین، در پژوهش حاضر، با توجه به قاعده مذکور و سازگاری با الگوی معادلات ساختاری و

² Kline

¹ Na

معیار خروج نیز پاسخ‌دادن کامل به سؤالات پرسش‌نامه‌ها بود. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، در ابتدای پرسش‌نامه آنلاین، که بین شرکت‌کنندگان توزیع شد، اصول اخلاقی شامل محرمانگی اطلاعات و رضایت آگاهانه توضیح داده شد. در این مطالعه، اصول اخلاقی پژوهش شامل رازداری و حفظ حریم خصوصی اشخاص رعایت شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار SPSS²⁶ و AMOS²⁴ استفاده شد.

ابزار

پرسش‌نامه وسواسی‌جبری رابطه‌ای^۱ (ROCI): این پرسش‌نامه را قومیان و همکاران (۲۰۲۱) طراحی کردند و شامل ۱۹ سؤال و دو عامل وسواس فکری (گویه‌های ۱ تا ۱۰) و رفتارهای اجباری (گویه‌های ۱۱ تا ۱۹) است. نمره‌گذاری پرسش‌نامه براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (۰ تا ۴) انجام می‌شود، نمره کل از جمع نمرات دو عامل به دست می‌آید، دامنه نمرات کل بین ۰ تا ۷۶ است و نمرات بالاتر احتمال وجود وسواس متمرکز بر رابطه را نشان می‌دهند. در مطالعه قومیان و همکاران (۲۰۲۱)، شاخص‌های اعتبار محتوا و نسبت اعتبار محتوای این پرسش‌نامه در سطح مطلوبی ارزیابی شد. همچنین، نتایج نشان داد که تمام زیرمقیاس‌ها و نمره کلی پرسش‌نامه با مقیاس سازگاری زناشویی هم‌بستگی منفی معنادار و با پرسش‌نامه باورهای وسواسی، پرسش‌نامه وسواس فکری - عملی تجدیدنظرشده، پرسش‌نامه باورهای رابطه‌ای و مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس هم‌بستگی مثبت معنادار داشتند. مدل دو عاملی توانست ۵۰/۵۴ درصد از واریانس پرسش‌نامه وسواس فکری - عملی رابطه‌ای را توضیح دهد و شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی آن در مقایسه با نسخه اصلی بهبود یافته بود. پایایی ابزار نیز مناسب گزارش شد. ضرایب بازآزمون برای عامل اول و دوم به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۸ و ضرایب آلفای کرونباخ آن‌ها به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۷۴ بود (قومیان و همکاران، ۲۰۲۱). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای عامل وسواس فکری ۰/۹۲ و رفتارهای اجباری ۰/۹۰ و نمره کل ۰/۹۱ به دست آمد.

پرسش‌نامه تجدیدنظرشده تجربه رابطه نزدیک^۲: این پرسش‌نامه ابزار خودگزارشی ۳۶ گویه‌ای است که برنان^۳ و همکاران در سال ۱۹۹۸ طراحی کرده‌اند. این ابزار در چهارچوب نظریه دل‌بستگی تدوین شده و شامل دو زیرمقیاس اضطرابی (گویه‌های ۱ تا ۱۸) و اجتنابی (گویه‌های ۱۹ تا ۳۶) است. نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای صورت می‌گیرد و از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) متغیر است. فرلی^۴ و

همکاران (۲۰۰۰) با استفاده از روش بازآزمایی، ضرایب پایایی ۰/۹۴ برای دل‌بستگی اضطرابی و ۰/۹۵ برای دل‌بستگی اجتنابی را گزارش کرده‌اند. در نسخه فارسی این ابزار نیز ضرایب همسانی درونی برای زیرمقیاس‌های دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۱ به دست آمده است. پایایی بازآزمایی پس از دو هفته برای دو مؤلفه دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۹ به دست آمد (پناگامی و همکاران، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ برای دل‌بستگی اضطرابی ۰/۸۸ و دل‌بستگی اجتنابی ۰/۸۹ به دست آمد.

مقیاس ذهنی‌سازی^۵: این پرسش‌نامه را دیمیتریچ^۶ و همکاران (۲۰۱۸) طراحی کردند و شامل ۲۸ گویه است که سه خرده‌مقیاس ذهنی‌سازی خود^۷ (۱۰ گویه)، ذهنی‌سازی دیگری^۸ (۸ گویه) و انگیزه ذهنی‌سازی^۹ (۱۰ گویه) را در بر می‌گیرد. این مقیاس در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از ۱ (کاملاً نادرست) تا ۵ (کاملاً درست) نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر نشان‌دهنده ظرفیت پیچیده‌تر برای ذهنی‌سازی است. دیمیتریچ و همکاران (۲۰۱۸) آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها را در دامنه ۰/۷۴ تا ۰/۷۹ گزارش کردند. عسگری‌زاده و همکاران (۲۰۲۳) روایی و پایایی این مقیاس را با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۸۹۵ بزرگسال مطلوب گزارش کرده‌اند. ابزارهای همگرایی استفاده‌شده شامل پرسش‌نامه کنش تأملی، مقیاس تجدیدنظرشده تجربه روابط نزدیک و مقیاس دشواری در تنظیم هیجان بود. آلفای کرونباخ به دست آمده در جمعیت ایرانی به ترتیب برای ذهنی‌سازی خود، ذهنی‌سازی دیگری و انگیزه ذهنی‌سازی ۰/۸۲، ۰/۸۳ و ۰/۷۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای ذهنی‌سازی خود، ذهنی‌سازی دیگری و انگیزه ذهنی‌سازی ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۸۹ و نمره کل ۰/۸۸ به دست آمد.

نتایج

در این مطالعه ۳۱۵ نفر با میانگین و انحراف معیار سنی ۸/۰۶ ± ۳۹/۳ سال بررسی شدند. از نظر تحصیلات، ۲۱ نفر (۶/۷ درصد) با مدرک دیپلم، ۵ نفر (۱/۶ درصد) کاردانی، ۱۶۳ نفر (۵۱/۷ درصد) کارشناسی، ۱۱۹ نفر (۳۷/۸ درصد) کارشناسی ارشد و ۷ نفر (۲/۲ درصد) دکتری یا بالاتر بودند. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ ارائه شده است.

در جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمرات مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همچنین، در دو ستون دیگر جدول نتایج چولگی و کشیدگی برای نرمال بودن داده‌ها آمده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، شاخص‌های چولگی و کشیدگی

⁶ Dimitrijević

⁷ Self-Related Mentalization (MentS-S)

⁸ Other-Related Mentalization (MentS-O)

⁹ Motivation to Mentalize (MentS-M)

¹ Relationship Obsessive-Compulsive Inventory (ROCI)

² Experiences in Close Relationships - Revised (ECR-R)

³ Brennan

⁴ Fraley

⁵ The Mentalization Scale (MentS)

همه متغیرهای آشکار بین ۲- و ۲ قرار دارد که حاکی از نرمال بودن توزیع متغیرها و مناسب بودن آن‌ها برای انجام مدل معادلات ساختاری است. پیش از تحلیل داده‌ها، مفروضه‌های مدل معادلات ساختاری بررسی شد. در همین زمینه، برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون کولموگروف - اسمیرنف^۱ استفاده شد که

نتایج حاکی از آن بود که نمرات متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال بودند ($p > 0/05$). با توجه به اینکه زیربنای مدل معادلات ساختاری مبتنی بر ماتریس هم‌بستگی نمونه است، در جدول ۲ ضرایب هم‌بستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشی‌دگی
سبک دل‌بستگی نایمن اضطرابی	۵۳/۲۴	۲۰/۵۵	۰/۶۹	۰/۰۲
سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی	۶۶/۳۱	۱۲/۶۸	-۰/۴۸	۰/۰۵
ذهنی‌سازی خود	۲۷/۵۳	۷/۶۲	-۰/۳۳	-۰/۵۲
ذهنی‌سازی دیگری	۳۹/۶۰	۵/۴۲	-۰/۹۸	۰/۱۵
انگیزه ذهنی‌سازی	۳۶/۸۱	۵/۱۴	-۰/۸۰	۰/۷۹
نمره کل ذهنی‌سازی	۱۰۳/۹۳	۱۲/۹۶	-۰/۲۲	۱/۰۵
رفتارهای اجباری	۹/۴۵	۷/۳۲	۰/۸۱	۰/۷۱
وسواس فکری	۸/۱۱	۷/۹۴	۰/۵۳	۰/۴۵
نمره کل علائم وسواسی - جبری رابطه‌ای	۱۷/۵۷	۱۴/۴۷	۰/۲۱	۰/۸۶

جدول ۲. ماتریس هم‌بستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
سبک دل‌بستگی اضطرابی	۱								
سبک دل‌بستگی اجتنابی	۰/۲۲**	۱							
ذهنی‌سازی خود	-۰/۴۵**	-۰/۲۵**	۱						
ذهنی‌سازی دیگری	-۰/۱۱*	-۰/۱۹**	۰/۱۹**	۱					
انگیزه ذهنی‌سازی	-۰/۲۸**	-۰/۱۴*	۰/۱۹**	۰/۴۰**	۱				
ذهنی‌سازی	-۰/۳۰**	-۰/۲۸**	۰/۷۴**	۰/۶۹**	۰/۶۸**	۱			
رفتارهای اجباری	۰/۴۹**	۰/۳۹**	-۰/۱۲*	-۰/۱۵**	-۰/۳۷**	۱			
وسواس فکری	۰/۵۳**	۰/۳۵**	-۰/۴۳**	-۰/۱۶**	-۰/۱۳*	-۰/۳۷**	۰/۷۹**	۱	
وسواسی جبری رابطه‌ای	۰/۵۴**	۰/۳۹**	-۰/۴۶**	-۰/۱۵**	-۰/۱۴**	-۰/۳۹**	۰/۹۴**	۰/۹۵**	۱

$p < 0/05$ *, $p < 0/01$ **

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد بین سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با علائم وسواسی جبری رابطه‌ای، رابطه مثبت و معنادار و با ذهنی‌سازی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($p < 0/05$). برای بررسی مفروضه نبود خودهم‌بستگی در خطاهای پژوهش، از آماره دوربین - واتسون استفاده شد که مقدار آن ۱/۷۶ به دست آمد. از آنجاکه مقدار مدنظر در دامنه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، می‌توان گفت مفروضه نبود خودهم‌بستگی مورد تأیید است. همچنین، مفروضه هم‌خطی برای متغیرهای برون‌زای پژوهش با

استفاده از ضریب تحمل و عامل تورم واریانس بررسی شد. نتایج نشان داد مفروضه هم‌خطی محقق شده است؛ زیرا مقدار ضریب تحمل در تمامی متغیرها به عدد یک نزدیک بود و مقادیر عامل تورم واریانس در همه آن‌ها از حد بحرانی ۲ کمتر بود. بررسی شاخص کفایت حجم نمونه (۰/۷۳) و شاخص کرویت بارتلت ($df=28$ و $p < 0/01$) حاکی از برآورده شدن ملاک‌های لازم برای مدل معادلات ساختاری بود. جدول ۳ شاخص‌های برازش مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

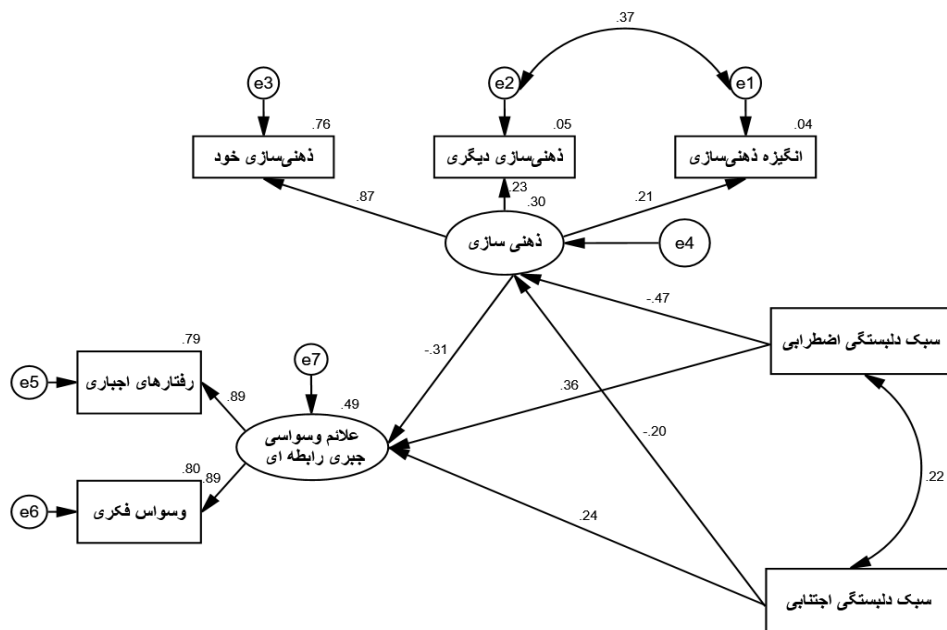
^۱ Kolmogoro-Smirnov test

جدول ۴ آثار مستقیم بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بر اساس معیار هو و بنتلر^۱ (۱۹۹۹؛ به‌نقل از عامری، ۱۴۰۱)، مدل برازش مطلوبی دارد ($CFI=0.97$ ، $GFI=0.96$ ، $NFI=0.97$ ، $IFI=0.97$ و $RMSEA=0.076$). ضرایب استاندارد مسیرهای مدل مفهومی در شکل ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص	X^2	d.f	X^2/df	P	GFI	AGFI	CFI	NFI	IFI	RMSEA
معیار پیشنهادی	-	-	$3 \leq$	$0.05 \leq$	$0.90 \leq$	$0.90 \leq$	$0.90 \leq$	$0.90 \leq$	$0.90 \leq$	$0.08 \leq$
مقدار گزارش شده	۲۵/۵۰	۹	۲/۸۳	۰/۰۰۲	۰/۹۴	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۰۷۶



شکل ۲. ضرایب استاندارد مسیرهای مدل مفهومی پژوهش

جدول ۴. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم مدل پژوهش

مسیرها	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد	خطای استاندارد	نسبت بحرانی	سطح معناداری	نتیجه
دل‌بستگی اضطرابی بر علائم وسواس جبری رابطه‌ای	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۰۲۸	۴/۴۲	۰/۰۰۱**	تأیید
دل‌بستگی اجتنابی بر علائم وسواس جبری رابطه‌ای	-۰/۴۷	-۰/۱۵	۰/۰۱۹	-۸/۱۰	۰/۰۰۱**	تأیید
دل‌بستگی اجتنابی بر ذهنی‌سازی	۰/۲۴	۰/۱۳	۰/۰۳۱	۴/۳۶	۰/۰۰۱**	تأیید
ذهنی‌سازی بر علائم وسواس جبری رابطه‌ای	-۰/۳۱	-۰/۳۳	۰/۱۵	-۲/۱۶	۰/۰۳۰*	تأیید
ذهنی‌سازی بر ذهنی‌سازی	-۰/۱۹	-۰/۱۰	۰/۰۳۰	-۳/۳۵	۰/۰۰۱**	تأیید

* $p < 0.05$ ، ** $p < 0.01$

^۱ Hu & Bentler

همان گونه که در جدول فوق ملاحظه می شود، ضرایب مسیر مربوط به اثرهای مستقیم متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۵ معنادار است. در ادامه، به منظور آزمون معناداری نقش میانجی ذهنی سازی در رابطه بین سبک های دل بستگی نایمن با علائم و سواسی جبری رابطه ای از آزمون بوت استرپ با ۲۰۰۰ نمونه استفاده شد.

طبق نتایج جدول ۵، اثر غیرمستقیم دل بستگی اضطرابی ($\beta=0/147$; $P<0/01$) و اجتنابی ($\beta=0/061$; $P<0/01$) در علائم و سواسی جبری رابطه ای از طریق ذهنی سازی معنی دار بود، به طوری که سبک های دل بستگی نایمن با کاهش ظرفیت ذهنی سازی با علائم و سواسی جبری رابطه ای همراه است.

جدول ۵. نتایج آزمون بوت استرپ آثار غیرمستقیم پژوهش

مسیرها	اثر غیرمستقیم	خطای استاندارد	حد بالا	حد پایین	سطح معناداری
تأثیر دل بستگی اجتنابی به واسطه ذهنی سازی در سواسی جبری	۰/۰۶۱	۰/۰۹۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲**
تأثیر دل بستگی اضطرابی به واسطه ذهنی سازی در سواسی جبری	۰/۱۴۷	۰/۱۶۵	۰/۳۶۱	۰/۰۳۴	۰/۰۰۱**

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثر ساختاری سبک های دل بستگی نایمن در علائم و سواسی جبری رابطه ای با در نظر گرفتن نقش واسطه ای ذهنی سازی بود. نتایج نشان داد که سبک های دل بستگی نایمن در علائم و سواسی جبری رابطه ای اثر مستقیم و معناداری دارند. این یافته با نتایج پژوهش های قومیان و همکاران (۲۰۲۴)، کبیری و همکاران (۲۰۱۷) و دورون و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. همسو با نتایج پژوهش حاضر، مطالعات پیشین نشان داده اند که دل بستگی اضطرابی با افزایش آسیب پذیری به سواس های رابطه ای مرتبط است (یلدریم و همکاران، ۲۰۱۷). برای تبیین این رابطه می توان به سازوکارهای زیربنایی دل بستگی اضطرابی اشاره کرد. براساس نظریه دل بستگی بالبی (۱۹۶۹)، افراد با دل بستگی اضطرابی راهبردهایی را به کار می گیرند که شامل تلاش برای کسب مراقبت، حمایت و اطمینان از در دسترس بودن چهره دل بستگی است. این راهبردها در بستر روابط صمیمانه بزرگ سالی به صورت نگرانی مزمن درباره پایداری رابطه، حساسیت افراطی به نشانه های طرد یا بی توجهی و اشتغال ذهنی مداوم درباره احساسات شریک عاطفی تظاهر می یابند. این وضعیت زمینه را برای بروز افکار مزاحم رابطه ای فراهم می کند. بنابراین، دل بستگی اضطرابی هم از مسیرهای تحولی و هم از مسیرهای شناختی - هیجانی، فرد را در برابر اختلال و سواسی جبری رابطه ای آسیب پذیر می کند.

در حالی که پژوهش ها بر نقش دل بستگی اضطرابی در اختلال و سواسی جبری رابطه ای تأکید دارند، یافته حاضر نشان می دهد که دل بستگی اجتنابی نیز در پیش بینی این علائم سهم معناداری دارد. برای تبیین این رابطه باید به ماهیت راهبردهای غیرفعال ساز در دل بستگی اجتنابی توجه کرد. افراد با دل بستگی اجتنابی در پاسخ به تهدیدهای دل بستگی هیجانات خود را سرکوب می کنند، از صمیمیت فاصله می گیرند و نیازهای دل بستگی را انکار می کنند

(قمیان و همکاران، ۲۰۲۴). اگرچه این راهبردها در کوتاه مدت از پریشانی می کاهند، در بلندمدت به ایجاد فاصله عاطفی و احساس به دام افتادگی در رابطه منجر می شوند. این احساس می تواند به سواس هایی درباره نقص های شریک عاطفی (از نوع شریک محور) و تردید درباره تناسب رابطه تبدیل شود. همچنین، از آنجاکه افراد اجتنابی از پردازش صریح هیجانات رابطه ای پرهیز می کنند، ممکن است نشخوار فکری و افکار مزاحم مقاوم به درمان درباره رابطه داشته باشند. این یافته با مطالعه دروسی^۱ و همکاران (۲۰۲۴)، که نشان دادند نقص در پردازش کنترل شناختی بالا - پایین به دنبال تجارب تحولی نامطلوب می تواند فرد را مستعد افکار مزاحم کند، نیز هم خوانی غیرمستقیم دارد.

همچنین، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ذهنی سازی اثر مستقیم در علائم و سواسی جبری رابطه ای دارد؛ بدین معنا که هرچه ظرفیت ذهنی سازی فرد کمتر باشد، شدت علائم و سواسی جبری رابطه ای بیشتر است. این یافته با پژوهش هایی که ذهنی سازی را به عنوان یک عامل فراتشخیصی مطرح می کنند، همسو است و نشان می دهد که نقص در ظرفیت ذهنی سازی می تواند فرد را در برابر علائم و سواسی جبری رابطه ای آسیب پذیر کند. برای تبیین این رابطه می توان گفت ذهنی سازی ظرفیتی ذهنی است که به فرد امکان می دهد رفتار خود و دیگران را براساس حالات ذهنی زیربنایی (افکار، احساسات و امیال) درک و تفسیر کند (فوناگی و همکاران، ۲۰۰۲). یکی از سازوکارهای زیربنایی اصلی در اختلال و سواسی جبری، آمیختگی فکر و عمل است که در آن، فرد صرف داشتن یک فکر ناخواسته را معادل با عملی کردن آن فکر یا نشانه ای از واقعیت داشتن محتوای آن فکر در نظر می گیرد (شفران و راجمن^۲، ۲۰۰۴). این پدیده در بستر روابط صمیمانه می تواند علائم و سواسی جبری رابطه ای را تبیین کند. این شکست در تمایز فکر از واقعیت مستقیماً به تشدید و سواس های فکری و به دنبال آن،

² Shafran & Rachman

¹ De Rossi

افزایش رفتارهای اجباری برای خنثی‌سازی پریشانی ناشی از این افکار منجر می‌شود.

در نهایت، نتایج پژوهش نشان داد که ذهنی‌سازی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی نایمن و علائم وسواسی-جبری رابطه‌ای نقش میانجی ایفا می‌کنند. گرچه مطالعه‌ای که دقیقاً این الگوی میانجی‌گری را به همین صورت بررسی کرده باشد شناسایی نشد، با توجه به چهارچوب‌های نظری معتبر و داده‌های تجربی متعدد می‌توان تبیینی سازگار با یافته‌های این پژوهش ارائه داد. براساس نظریه فوناگی و همکاران (۲۰۰۲)، دل‌بستگی ایمن زمینه اصلی رشد ظرفیت ذهنی‌سازی است؛ مراقب حساس و پاسخ‌گو با بازتاب نشان‌دار حالات ذهنی کودک، به او کمک می‌کند تا دنیای درونی خود و دیگران را بازنمایی کند. درمقابل، دل‌بستگی اضطرابی، که با دشواری در دسترس‌پذیری مراقب همراه است، به اختلال در این فرایند تحولی منجر می‌شود. کودک برای حفظ نزدیکی با مراقب، مجبور می‌شود توجه خود را بر نشانه‌های تهدید متمرکز کند و از کاوش تأملی در ذهن خود و دیگری باز می‌ماند. این نقص در بزرگسالی به صورت ناتوانی در درک و تفسیر دقیق حالات ذهنی شریک عاطفی و تمایزگذاری میان افکار و واقعیت تظاهر می‌یابد. در چنین شرایطی، فرد دارای دل‌بستگی اضطرابی، افکار منفی را نه به عنوان فکر گذرا، بلکه به عنوان بازتابی از واقعیت درک می‌کند.

پژوهش‌های پیشین نیز به طور ضمنی از این ارتباط حمایت می‌کنند. موری^۱ و همکاران (۲۰۱۶) دریافتند که بیماران مبتلا به اختلال وسواسی-جبری در بعد ذهنی‌سازی دچار نقص هستند و این نقص با شدت علائم مرتبط است. مطالعه حاضر فراتر از آن پژوهش‌ها، نشان می‌دهد که این نقص در بستر خاص روابط صمیمانه و در رابطه با دل‌بستگی اضطرابی، سازوکار زیربنایی اختلال وسواسی-جبری رابطه‌ای را تشکیل می‌دهد، درحالی‌که دل‌بستگی اضطرابی با بیش حساسیتی به نشانه‌های تهدید و اشتغال ذهنی افراطی به حالات دیگران همراه است، دل‌بستگی اجتنابی با شبه ذهنی‌سازی یا فقدان کنجکاوی درباره حالات ذهنی مشخص می‌شود. افراد اجتنابی به جای کاوش در دنیای درونی خود و شریک عاطفی، از پردازش تعارضات و تردیدهای رابطه‌ای اجتناب می‌ورزند. این نقص در ذهنی‌سازی باعث می‌شود که نتوانند میان نارضایتی موقت و مشکلات بنیادین رابطه تمایز بگذارند و در نتیجه، دچار تردیدهای وسواس گونه مقاوم به تحلیل منطقی شوند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر تأیید می‌کنند که هر دو بعد دل‌بستگی نایمن (اضطرابی و اجتنابی) نه تنها به طور مستقیم، بلکه به طور غیرمستقیم و از طریق تضعیف ظرفیت ذهنی‌سازی، علائم وسواسی-جبری رابطه‌ای را پیش‌بینی می‌کنند. الگوی میانجی‌گری مشاهده شده نشان می‌دهد که ذهنی‌سازی به عنوان یک سازوکار زیربنایی، ارتباط میان تجارب تحولی اولیه دل‌بستگی

و پردازش اطلاعات بین فردی در بزرگسالی را ایجاد می‌کند. دل‌بستگی نایمن (اضطرابی و اجتنابی) از طریق ایجاد اختلال در فرایند تحولی شکل‌گیری ظرفیت تأملی، فرد را از توانایی ارزیابی دقیق حالات ذهنی خود و شریک عاطفی محروم می‌کند. در غیاب این ظرفیت، تردیدهای طبیعی در روابط صمیمانه به تهدیداتی وجودی تبدیل می‌شوند و چرخه معیوب وسواس‌های فکری و اجبارهای رابطه‌ای را برمی‌انگیزانند.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز همراه است. نخست، طرح مقطعی مطالعه امکان استنتاج روابط علی را محدود می‌کند. گرچه مدل ساختاری آزمون شده مبتنی بر چهارچوب نظری است، مطالعات طولی می‌توانند توالی زمانی متغیرها را با دقت بیشتری مشخص کنند. داده‌ها با استفاده از ابزارهای خودگزارش‌دهی گردآوری شده‌اند که ممکن است با سوگیری‌های حافظه و مطلوبیت اجتماعی همراه باشند. نمونه پژوهش از جمعیت غیربالینی تشکیل شده بود؛ هرچند رویکرد پیوستاری به آسیب‌شناسی روانی از این موضوع حمایت می‌کند، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به جمعیت بالینی نیازمند پژوهش‌های بیشتر با نمونه‌های تشخیصی است. رویکردهای مبتنی بر ذهنی‌سازی با کمک به بیماران برای تمایزگذاری میان افکار و واقعیت و تقویت توانایی درک حالات ذهنی خود و شریک عاطفی، می‌توانند چرخه معیوب وسواس‌های رابطه‌ای را مختل کنند. همچنین، درمان‌های تلفیقی، که هم‌زمان بر بازسازی مدل‌های دل‌بستگی و ارتقای ظرفیت ذهنی‌سازی تمرکز دارند، در مقایسه با درمان‌های صرفاً شناختی - رفتاری می‌توانند اثربخشی بیشتری داشته باشند. افزون بر این، یافته‌ها پیشنهاد می‌کنند که مداخلات پیشگیرانه در دوران کودکی با هدف تقویت دل‌بستگی ایمن و ظرفیت تأملی، می‌توانند از بروز علائم وسواسی-جبری رابطه‌ای در بزرگسالی پیشگیری کنند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که سبک دل‌بستگی نایمن با تضعیف ظرفیت ذهنی‌سازی (کارکرد انعکاسی) به طور غیرمستقیم به تشدید علائم وسواسی-جبری رابطه‌ای منجر می‌شود. به عبارت دیگر، ذهنی‌سازی نقش واسطه‌ای معناداری در ارتباط بین دل‌بستگی نایمن و علائم وسواس رابطه‌ای ایفا می‌کند. این یافته بر اهمیت مداخلات بالینی مبتنی بر تقویت ذهنی‌سازی و بازسازی الگوهای دل‌بستگی به منظور کاهش علائم وسواسی در بافت روابط نزدیک تأکید می‌ورزد.

¹ Murri

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از همه افرادی که در پژوهش حاضر شرکت کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافع ندارند.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه سمنان است که با کد اخلاق IR.SEMUMS.REC.1404.143 به تصویب رسیده است.

حمایت مالی

این مطالعه هیچ‌گونه کمک مالی‌ای از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی یا تجاری دریافت نکرده است.

REFERENCES

- Ameri N. Structural relations of early maladaptive schemas to craving in substance-dependent individuals under methadone maintenance treatment: the mediating role of self-compassion. *Res Addict*. 2023;16(66):47-70. [DOI:10.52547/etiadjpajohi.16.66.47]
- Asgarizadeh A, Vahidi E, Seyed Mousavi PS, Bagherzanjani A, Ghanbari S. Mentalization Scale (MentS): validity and reliability of the Iranian version in a sample of nonclinical adults. *Brain Behav*. 2023;13(8):e3114. [DOI:10.1002/brb3.3114]
- Bilge Y, Yılmaz M, Hüröğlu G, Akan Tikici Z. The effects of adverse childhood experiences and early maladaptive schemas on relationship obsessive-compulsive disorder. *Trends Psychol*. 2024;32(4):1268-1286. [DOI:10.1007/s43076-022-00245-9]
- Bowlby J. Attachment and loss: retrospect and prospect. *Am J Orthopsychiatry*. 1982;52(4):664-678. [DOI:10.1111/j.1939-0025.1982.tb01456.x]
- Brennan KA, Clark CL, Shaver PR. Self-report measurement of adult romantic attachment: an integrative overview. In: Simpson JA, Rholes WS, editors. *Attachment theory and close relationships*. New York: Guilford Press; 1998. p. 46-76. [DOI:10.1111/j.1475-6811.2000.tb00002.x]
- De Rossi E, Imperatori C, Sciancalepore F, Prevete E, Maraone A, Canevelli M, et al. Childhood trauma, mentalization and obsessive compulsive symptoms in a non-clinical sample: a mediation analysis study. *Clin Neuropsychiatry*. 2024;21(3):195-204. [DOI:10.36131/cnfliortiditore20240305]
- Dimitrijević A, Hanak N, Altaras Dimitrijević A, Jolić Marjanović Z. The Mentalization Scale (MentS): a self-report measure for the assessment of mentalizing capacity. *J Pers Assess*. 2018;100(3):268-280. [DOI:10.1080/00223891.2017.1310730]
- Doron G, Derby DS, Szepsenwol O. Relationship obsessive-compulsive disorder (ROCD): a conceptual framework. *J Obsessive Compuls Relat Disord*. 2014;3(2):169-180. [DOI:10.1016/j.jocrd.2013.12.005]
- Doron G, Derby DS, Szepsenwol O, Talmor D. Tainted love: exploring relationship-centered obsessive-compulsive symptoms in two non-clinical cohorts. *J Obsessive Compuls Relat Disord*. 2012;1(1):16-24. [DOI:10.1037/a74214-000]
- Doron G, Szepsenwol O, Karp E, Gal N. Obsessing about intimate relationships: testing the double relationship-vulnerability hypothesis. *J Behav Ther Exp Psychiatry*. 2013;44(4):433-440. [DOI:10.1016/j.jbtep.2013.05.003]
- Fonagy P, Gergely G, Jurist EL, Target M. *Affect regulation, mentalization, and the development of the self*. New York: Other Press; 2002. [DOI:10.4324/9780429471643]
- Fraley RC, Waller NG, Brennan KA. An item response theory analysis of self-report measures of adult attachment. *J Pers Soc Psychol*. 2000;78(2):350-365. [DOI:10.1037/0022-3514.78.2.350]
- Ghoman S, Shaeiri MR, Farahani H. Designing the Relationship Obsessive-Compulsive Inventory (ROCI) based on Iranian culture and evaluation of its psychometric properties. *Iran J Psychiatry*. 2021;16(4):418. [DOI:10.18502/ijps.v16i4.7229]
- Ghoman S, Shaeiri MR, Farahani H, Ahmadi Z, Soleimani Z, Shirazi M, et al. Predicting and explaining the relationship between obsessive-compulsive symptoms based on insecure attachment styles. *J Fundam Ment Health*. 2024;26(3):165-172. [Link]
- Gorelik M, Szepsenwol O, Doron G. Promoting couples' resilience to relationship obsessive-compulsive disorder (ROCD) symptoms using a CBT-based mobile application: a randomized controlled trial. *Heliyon*. 2023;9(11):e21673. [DOI:10.1016/j.heliyon.2023.e21673]
- Jansen N, Köhl J, Eller N, Kingdon P, Firk C. Mentalizing capacity partially mediates the relationship between attachment and stress, depression, and anxiety in social work students. *Clin Soc Work J*. 2023;51(4):339-353. [DOI:10.1007/s10615-023-00882-2]
- Kasalova P, Prasko J, Ociskova M, Holubova M, Vanek J, Kantor K, et al. Marriage under control: obsessive-compulsive disorder and partnership. *Neuroendocrinol Lett*. 2020;41(3):134-145. [Link]
- Khosravani V, Aardema F, Gharraee B, Shadloo B. Predicting and explaining relationship obsessive-compulsive symptoms based on insecure attachment styles. *Arch Psychiatr Nurs*. 2022;36:56-63. [Link]
- Kline RB. *Principles and practice of structural equation modeling*. 5th ed. New York: Guilford Press; 2023. [Link]
- Mikulincer M, Shaver PR. *Attachment in adulthood: structure, dynamics, and change*. 2nd ed. New York: Guilford Press; 2016. [Link]
- Murri MB, Respino M, Innamorati M, Amore M, Pompili M. Two systems for empathy in obsessive-compulsive disorder: mentalizing and experience sharing. *Rev Bras Psiquiatr*. 2016;38(4):307-313. [DOI:10.1590/1516-4446-2015-1679]
- Na KM. The relationship between insecure adult attachment and emotion dysregulation: the mediation effect of mentalization. *J Convergent Cult Technol*. 2023;9(4):171-177. [DOI:10.17703/JCCT.2023.9.4.171]
- Panaghi L, Maleki G, Zabihzadeh A, Poshtmashhadi M, Soltaninezhad Z. Validity, reliability, and factor analysis of Experiences in Close Relationship (ECR) Scale. *Iran J Psychiatry Clin Psychol*. 2014. [Link]
- Remeus MG, Smits ML, Bal-Bax AM, Feenstra DJ, Luyten P. Attachment as a predictor of dropout in mentalization-based treatment. *Psychol Psychother*. 2024;97:45-57. [DOI:10.1111/papt.12478]
- Santoro G, Costanzo A, Franceschini C, Lenzo V, Musetti A, Schimmenti A. Insecure minds through the looking glass: the mediating role of mentalization in the relationships between adult attachment styles and problematic social media use. *Int J Environ Res Public Health*. 2024;21(3):255. [DOI:10.3390/ijerph21030255]
- Shafraan R, Rachman S. Thought-action fusion: a review. *J Behav Ther Exp Psychiatry*. 2004;35(2):87-107. [DOI:10.1016/j.jbtep.2004.04.002]
- Sloover M, van Est LA, Janssen PG, Hilbink M, van Ee E. A meta-analysis of mentalizing in anxiety disorders, obsessive-compulsive and related disorders, and trauma and stressor-related disorders. *J Anxiety Disord*. 2022;92:102641. [DOI:10.1016/j.janxdis.2022.102641]
- Verin RE, Menzies RE, Menzies RG. OCD, death anxiety, and attachment: what's love got to do with it? *Behav Cogn Psychother*. 2022;50(2):131-141. [DOI:10.1017/s135246582100045x]
- Yıldırım B. The influence of attachment styles, personality characteristics, social comparison, and reassurance seeking on ROCD symptoms [master's thesis]. Ankara: Middle East Technical University; 2017. [Link]

30. Yu JG, Song W. The mediating effect of mentalization and emotion dysregulation in the relationship between adult attachment and depression. J Converg Inf Technol.

2020;10(10):203-217. [\[DOI: 10.22156/CS4SMB.2020.10.10.203\]](#)